

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد قراگوزلو

۲۰ می ۲۰۱۲

مبارزه طبقاتی برای افزایش دستمزد

بخش ۷ و نهائی - راه سوم آنتونی گیدنز

در آمد یک(جهت اطلاع)

معروف است که خفیه نویسان برای پایش و پیمایش رفتار و گفتار روزانه مهدی بازرگان چند مأمور گماشته بود تا به اصطلاح زاغش را چوب بزنند. مهندس که از قرار به این ماجرا پی برده بود ؛ روزی بر سر گردنه ای به آقایان می گوید وقت خود را تلف نکنید و به کار و بار شخصی تان برسید و برای تنظیم گزارش به مافوق هر شب بیائید دم منزل؛ خودم صادقانه خدمت تان عرض خواهم کرد.... به قول نازنینی حالا حکایت ماست.

باری دوستان عزیزی در مورد مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی از من پرسیده اند و گردنه بگیران آن لاین اینترنتی در پست جولیا آسانژ به پندار این که اسناد تمام محرمانه طبقه بندی شده منتشر می کنند دست به مچ گیری زده اند!! گفت از خودمان می پرسیدید تا عارض می شدیم. برای آن دسته از علاقه مندان به زیست نامه ها عرض می شود که من مدت ها به اتفاق چند همکار دانشگاهی به عنوان مشاور علمی "دو ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی" کار کرده ام. در آن مجله مقالات زیادی نوشته ام که فهرست و متن همه موجود است. طبیعی است که تحولات اجتماعی و دیدگاهی و مقطعی برخی از آن مقالات را مهمل کرده و به زباله دان فرستاده است. تا به شکل نیش قیراز این جا و آنجا دربیاید. اما تعدادی دیگر (مثلا جهانی شدن که دوازده سال پیش نوشته شد) هنوز هم ذیل مقالات کنونی ام – از جمله همین مقالات اخیر- به عنوان رفرنس می آید. مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی در مؤسسه اطلاعات منتشر می شود که مدیر مسئول آن حجت الاسلام دعائی است. گیرم که ایشان تا آن جا که من می دانم دخالتی در محتوای مقالات نداشتند. در تمام مدتی که ما آن جا کار می کردیم مقالات متنوعی از روشنفکران نحله های گوناگون جهانی منتشر می شد. از سونیزی و سمیر امین تا رولان بارت و دریدا. در آن مجله- تأکید می کنم آن مجله- روشن فکران مترقی و سوسیالیستی همچون احمد سیف تا روشنفکران اگزیستانسیالیستی مانند زنده یاد مصطفی رحیمی و سوسیال دموکرات هائی از قبیل حسین بشیریه ده ها مقاله نوشته اند. از مخلص نیز مقالات متعددی منتشر شده است در موضوعات مختلف. از ژئوپولیتیک و گفت و گوی تمدن ها و نقد هانتینگتون و جنگ اول و دوم امریکا و عراق و افغانستان تا جهانی شدن و نقد نئولیبرالیسم

و تهاجم به نظریه نئولیبرالی دولت رانت خوار نفتی و خصوصی سازی و دفاع از دموکراسی کارگری و سوسیالیسم چپ و..... برخی هنوز و تا همیشه معتبرند لابد و تعدادی دیگر همان زمان نیز مزخرف بودند... جالب این که همین سال گذشته (۱۳۹۰) دوستان عزیزی که مقالات خوب و مفیدشان در سایت های کنونی چپ و از جمله همان سایت "دوستان نیمه پنهان نویس" منتشر می شود - و این خیلی خوب است- طی تماس های مختلف از من می خواستند تا نسبت به انتشار مقالاتشان در آن مجله کاری کنم. حال آن که از ۵ سال پیش به طور کلی شورای علمی مجله منحل شده است. پشت جلد هر شماره اسامی اعضای شورای علمی مجله به این شرح منتشر می شد و هرگز پدیده مخفیانه ای نبود: حمید احمدی/سید حسن امین/ داوود هرمیداس باوند/ حسین بشیریه/ مهدی تقوی/ پرویز پیران/ ناصر خادم آدم/ ابراهیم رزاقی/ حمید دیهیم/ علی رشیدی/ محمود سریع القلم/ بهزاد شاهنده/ غلامرضا صراف یزدی/ سید جواد طباطبائی/ موسی غنی نژاد/ محمد قراگوزلو/ احمد نقیب زاده / محمد سعید نوری نائینی.

تا آن جا که به خود من مربوط می شود حتی یک بار هم پام به پله کان مؤسسه اطلاعات و مجله نخورده است. اما از این که آن مجله به شکل سابق منتشر نمی شود هنوز دریغ و درد دارم.

ای میل بالای مقالات برای این است که اگر سؤالی بود که برای همه گان جالب نبود پرسیده شود.*

درآمد دو (تاچریسم ناب)

فرافکنی و فرار به جلو، معانی، مفاهیم و مصادیق چندان پیچیده ای ندارد. کافی است به این گزینه ها توجه کنید:

- محمدرضا رحیمی (معاون اول رئیس جمهوری اسلامی) ضمن انتقاد شدید از "بی تدبیری دولت در مهار گرانی" گفت "این یک تدبیر می خواهد که هم اکنون، مسئولان ما فاقد آن هستند" (کیهان، یکشنبه ۱۰/ اردیبهشت ۱۳۹۱، ش ۲۰۱۹۵/ص:۴) چیزی که آقای دکتر رحیمی نگفت این بود که این "مسئولان ما" چه کسانی هستند؟

- حجت الاسلام احمد خاتمی در مقام خطیب نماز جمعه تهران (۱۵ اردیبهشت) از فریاد به پا خاسته مردم نسبت به گرانی ها یاد کرد و از نگرانی مراجع دینی درخصوص اقتصاد لگام گسیخته کشور سخن گفت.

- دکتر علی لاریجانی ضمن یک فاش گوئی آشکار از عزم دولت نسبت به بنزین ۲ هزار تومانی و گاز ۳ برابری و گازوئیل چند برابری گله کرد و از این که مجلس زیر بار این شوک درمانی نخواهد رفت.

- از ارکان مختلف "پاک دستترین دولت دنیا"، هر روز خبری مبنی بر یک فساد و اختلاس کلان بیرون می زند تا آن جا که رئیس مجلس با "فروتنی" می فرماید: «امروز از نظر فساد اداری شرایط خوبی نداریم.» (دنیای اقتصاد، دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱، ش: ۲۶۲۸، ص:۴) و در ذیل همین اظهارات آیت الله آملی لاریجانی از شبکه های اختاپوسی فساد متشکل از قاضیان و مدیران اجرایی در پرده یاد می کند.

- در جریان پرونده اختلاس ۳ میلیارد دلاری پای خیلی ها به میان آمده است، تا آن جا که تکیه کلام تهدید گونه "بگم بگم" آقای احمدی نژاد دیگر برای مرعوب ساختن رقیب تا دیروز متحد کافی نیست. در دولتی که آب و نان و شیر و گوشت و تخم مرغ و بهداشت را به روی مردم بسته اند و رشوه های میلیاردی را باز گذاشته اند، باز هم می توان از "عدالت" قصیده ها سرود.

- از زمان عملیاتی سازی تئوری های میلتون فریدمن در شیلی (۱۱ سپتمبر ۱۹۷۳) تاکنون درهای اقتصاد سیاسی سرمایه داری بر پاشنه راست ترین ایدئولوژی تاریخ سرمایه داری چرخیده است. در این میان سیاست های نئولیبرالی دولت های اصلی و فرعی به فقر و فلاکت بیشتر کارگران و زحمت کشان انجامیده است. بی گمان در کورس این فقیرتر کردن؛ دولت احمدی نژاد رکورددار است. این دولت نماد تیپیکال یک دولت تاچریستی ناب است!

- یک اقتصاد خوانده متمایل به جناح اصلاح طلبان دولتی (حسین راغفر)، نرخ تورم را در سال ۹۰ نزدیک به ۵۵ درصد اعلام کرده و گمان زده است که این نرخ در سال جاری ۳ رقمی شود (در گفت و گو با روزنامه اعتماد، شنبه ۱۶ اردیبهشت) وی نرخ خط فقر مطلق در تهران را یک میلیون و پانصد هزار تومان دانسته است.

- نیازی به حساب و کتاب‌های پیچیده نیست. با یک معادله ساده دو تا دو چهار تا هم می‌توان به راحتی ثابت کرد، حتا اگر ملاک افزایش دستمزدها را ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی بدانیم، حداقل دستمزدها در سال جاری باید ۱۱۳۸۴۹۵۰ ریال باشد. (در این زمینه رک به: دنیای اقتصاد، مقاله روند تغییر مزد در پنج سال گذشته و مقایسه آن با نرخ تورم رسمی، یکشنبه ۱۰ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۱، ش: ۲۶۲۷، ص: ۲۹). حال اگر بخواهیم نرخ تورم را به اساس ارزیابی‌های حسین راغفر محاسبه کنیم و بر این مبنا به تعیین حداقل دستمزد بپردازیم، گمان می‌کنم به رقمی دستکم دو و نیم تا سه برابر رقم اعلام شده از سوی روزنامه دست راستی "دنیای اقتصاد" خواهیم رسید. فقط با چنین معادلات ابتدائی و ساده‌ای می‌شود گفت که بختک فقر و فلاکت به نحو بی‌سابقه‌ای بر زندگی توده‌های زحمتکش کشور ما آوار شده است.

سلسله مقالات "مبارزه طبقاتی برای افزایش دستمزد" را با ارزیابی مختصر نظریه‌پردازی‌های جریان موسوم به "راه سوم" یا ننوکینزین‌ها به پایان می‌بریم. همه امیدمان این است که توانسته باشیم مثل همیشه از موضع دفاع از منافع زحمتکشان چارچوب مشخصی را برای این مهم از مزغل خود ترسیم کرده باشیم. امیدمان این است که این سلسله مقالات - با همه کاستی‌هایشان - در پلمیک میان سوسیالیست‌های چپ با سوسیال دموکرات‌ها مفید واقع شده باشد و امید دارم که دوستان مثل گذشته نویسنده را از نظرات انتقادی خود محروم نکنند. واضح است که بدترین نوع دفاع از این قلم، همانا دفاع بی‌منطق، بری از استدلال و فاقد پشتوانه‌های نظری در کنار موضع تهاجم به منتقدان است. امید دیگرم این است که دفاعیه‌ها تا آن جا که ممکن است ضعف‌های تئوریک این نوشته‌ها را روشن کند. در چنین شرایطی که تهاجم به معیشت تهی‌دستان از یک سو و حبس فعالان کارگری از سوی دیگر، دل و دماغی برای ما نگذاشته است، طرح مباحث تئوریک مثل همیشه لازم اما خلاف همیشه سخت است. اعصاب ما در کوران و کوره وقایع اتفاقیه سی و پنج سال گذشته به اندازه کافی آبدیده شده و بسیار بدیهی است که به قول مارکس - و البته نیمای یوشی - راه خود را بدون توجه به سمپاشی‌ها دنبال گیریم.

تلاش نافرجام ننوکینزین‌ها، راه سوم گیدنز

تئوری‌پردازی‌های مشهور به "راه سوم" (Third way) آنتونی گیدنز - که در نهایت متکی به رهیافت‌های لیبرالیستی از اقتصاد بود - پس از کوششی نافرجام به منظور آلترناتیوسازی در مقابل سرمایه‌داری عنان گسیخته نئولیبرال به محاق رفت. پایه تفکر راه سوم گیدنز در مجموع بر چند اصل استوار شده است:

۱. فروپاشی اردوگاه کمونیسم روسی یا بن‌بست سرمایه‌داری دولتی مبتنی به برنامه‌ریزی متمرکز. گیدنز "سوسیالیسم واقعاً موجود" را با شیطننت تمام مترادف بی‌اعتباری سوسیالیسم چپ کارگری و سقوط نهائی مارکسیسم جا می‌زند.
۲. افول سوسیال دموکراسی و تلاشی تدریجی دولت‌های رفاه.
۳. درجه حاد و بی‌مانند توحش ایدئولوژی نئولیبرالیسم.

بر پایه این باورهاست که راه سوم گیدنز می‌کوشد ضمن رعایت پنهانی اصول اساسی اقتصاد نئولیبرالیستی، عدالت اجتماعی را با تکیه به کارائی بازار آزاد و توانمندی سرمایه‌داری تبلیغ کند. به یک مفهوم نظریه گیدنز نوعی تجدیدنظر

در سوسیال دموکراسیست که از اصالت نظری ویژه‌ای برخوردار نیست و تمام اعتبارش را از اعتلای حزب کارگر جدید (new labour) تونی بلر و به طور واقعی از برآیند دولت‌های تاجر و میجر وام گرفته است. برای نمونه آنچه که گیدنز و متعاقب او دولت تونی بلر تحت عنوان بیمه‌ی زمان کار پیش کشیدند، به طور مشخص از همان برنامه‌ی مشهور فعال سازی بازار کار در دولت‌های رفاه اسکاندیناوی الگو گرفته بود. بیمه‌ی زمان کار هیچ طرح تازه‌ای را - که مبین رامبردهای ادعائی رهبران حزب کارگر جدید در خصوص گسست رو به پیش از حزب کارگر قدیم (old labour) باشد - نمایندگی نمی‌کرد. گیدنز می‌کوشید از درون تلفیق نوعی گفتمان چپ لیبرال، کل ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی لیبرالیسم را حفظ کند و ضمن استحاله و حذف سوسیالیسم، در نهایت جنبه‌ی انتقادی چپ را در تئوری خود بازتولید نماید. تلاش تئوریک راه سومی‌ها معطوف به چند پروژه‌ی شکست خورده بود. از جمله:

- ایجاد یک جهان نگری فلسفی نسبت به جهانی‌سازی‌های نئولیبرالی با انتقاد از آنارشی سیستم اقتصادی بازار جهانی.
 - رعایت یا تولید حریم تازه‌ای در حد فاصل سوسیالیسم و لیبرالیسم برای جاسازی عدالت اجتماعی.
 - بیرون کشیدن دو مؤلفه‌ی آزادی و برابری از مباحث نظری چپ و راست.
 - امکان‌سازی تعادل میان مطالبات برابری خواهانه‌ی فرودستان با حفظ آزادی‌های فردی. در عین حال پای‌بندی به فردگرایی، گریز از همان جامعه‌ی پذیرنده‌ی سوسیالیستی که تاجرپسم منادی و مجری آن بود. این جمله‌ی تاجر را هرگز فراموش نخواهیم کرد که: "چیزی به اسم جامعه وجود ندارد. آن چه وجود دارد فرد است." تزلزل میان حقوق و تعهدات اجتماعی افراد از یکسو و نوسان مشکوک در بین روابط فرد و اجتماع از سوی دیگر.
- اغتشاش در نظریه‌ی تناسب حقوق فردی و اجتماعی گیدنز تا آن جاست که مرزهای فردگرایی با تعهدات فردی تصریح نمی‌شود. برای نمونه سوسیال دموکراسی اگرچه از حق بیمه‌ی بی‌کاری دفاع می‌کرد، اما فرد بی‌کار را به کوشش متعهدانه برای یافتن کار سوق می‌داد. راه سوم در تنظیم این مناسبات ناتوان ماند. گیدنز برای تبیین جامعه‌ی شناختی مدرن خود مانند هر جامعه‌ی شناس مدرنیست دیگری (از جمله ماکس وبر) به نهادهای سنتی حمله می‌کند و جناح راست سوسیال دموکراسی را به این سبب که تمام تکیه‌ی گاهش را بر پایه‌های اقتدار برخاسته از نهادهای سنتی قرار داده، به نکوهش می‌گیرد. گیدنز به جای این نهادها "در جامعه‌ی مدرنی که سنن و رسوم، نفوذ خود را از دست داده‌اند" تنها گزینه‌ی تحقق اقتدار را در پیش گرفتن دموکراسی می‌داند. او به جای زوال سنت‌ها و رسوم و برای ایجاد همبستگی جدید اجتماعی و واکنش به معضلات زیست محیطی به سوی ارزش‌های جهان میهنی می‌رود. (آنتونی گیدنز، ۱۳۸۶، صفحات مختلف)*

راه سوم گیدنز که با زیر تیتل "بازسازی سوسیال دموکراسی" مفهوم واقعی می‌گیرد، در نخستین برداشت وانمود می‌کند که به قصد پر کردن شکاف‌های چپ و ترمیم گسل‌های "سوسیالیسم واقعاً موجود" وارد میدان شده است، اما به استناد آنچه پیش‌تر گفتیم گیدنز می‌کوشد میان اردوی کار و سرمایه‌چنان آشتی و صلحی ایجاد کند که از درون آن اساس شیوه تولید بورژوائی تماماً حفظ شود و کمترین لطمه‌ای به ساختارهای آن نخورد. "بازسازی سوسیال دموکراسی" که در بحران دهه‌ی هفتاد به شدت شکاف برداشته و اصول اساسی آن ضربه خورده است در راستای دفاع از منافع سرمایه صورت می‌بندد و از همان ابتدا کل مبانی جامعه‌شناسی گیدنز را بیرون از تمام نخله‌های چپ - اعم از رادیکال، کارگری، نو... - می‌گذارد و به تمامی به استخدام ایدئولوژی لیبرالیسم در می‌آورد. حتا سخن گفتن از تلاش گیدنز برای بازسازی راه سومی که باید از تلفیق یا میانه‌ی دو ایدئولوژی راست سرمایه‌داری و روش اقتصاد سیاسی سوسیالیستی شکل گیرد، در نهایت خوش‌بینی آشتی نا مفهوم راست و چپ نیست. اصولاً پس از "صلح صنعتی" در انگلستان قرن هفدهم و هیجدهم که از طریق کسب سود ناشی از استعمارگری، دولت انگلستان بیش‌ترین مزد را به

کارگران داخلی پرداخت می‌کرد و از سود و ارزش اضافی می‌گذشت، هرگز میان اردوی کار - سرمایه امکان تحقق آشتی طبقاتی وجود نداشته است. بازسازی سوسیال دموکراسی به شیوه راه سوم آنتونی گیدنز اگرچه در افزوده‌هایی بر "تئوری اشتغال عمومی و بهره و پول" کینز طراحی می‌کند، اما در مجموع راه چاره‌ای در برابر بحران‌های اقتصادی سوسیال دموکراسی نمی‌گشاید. شکل سیاسی و روش حکومتی راه سوم همان لیبرال دموکراسی مبتنی بر انتخابات وکالتیست که جنبه و ظرفیتی عمیقاً ضد دموکراتیک دارد و به دلیل پاسخگو نبودن نمایندگان و فقدان هر آئینه حق عزل همان دموکراسی بورژوازی جوامع سرمایه‌داری کنونی را تداعی می‌کند. مردم هر ۴ یا ۶ سال - بسته به قوانین موجود - بنا به یک وظیفه "ملی" سر صندوق‌ها حاضر می‌شوند و به پلاتفرم این یا آن فرد و حزب رأی می‌دهند و بعد هر کدام به راه خود می‌روند. وکلای نیابتی در تمام دوران نمایندگی خود به منتخبان پاسخگو نیستند و در صورت تخلف یا عدول از وظایف نمایندگی هیچ نهادی حق عزل ایشان را ندارد. مردم نیز حق اعتراض به مصوبات پارلمان و دولت را ندارند. چرا که خود به مشروعیت آن‌ها رأی داده‌اند. روش پیش‌نهادی راه سوم گیدنز برای شکل حکومتی چیزی جز این نیست. مستقل از تعبیر مختلفی که درباره دموکراسی ارائه شده است، چنین شکلی از دموکراسی لیبرال، عقب مانده‌ترین صورت‌مندی تحقق یافته از این واژه چند پهلوی است. واژه چند پهلوی را برای دموکراسی به کار بستم و همین جا اضافه می‌کنم که اگر امکان انتشار مجلدات دوم و سوم فکر دموکراسی سیاسی این قلم مهیا می‌شد یک مرزبندی دقیق - دست کم در حوزه تألیف و نه ترجمه- میان دموکراسی کارگری و دموکراسی لیبرال به دست می‌آمد. باری.....

در حوزه اقتصادی، گیدنز کوشید پس از عروج نئولیبرالیسم، بازسازی سوسیال دموکراسی را بی‌اعتنا به زمینه‌های بحران دولت‌های سرمایه‌داری رفاه مهندسی کند. انحلال روش‌های چپ و به ویژه نگاه خصمانه به مالکیت اجتماعی و حفظ حریم حرمت "بازار مقدس" وظیفه اصلی راه سوم گیدنز است. کل اضطراب گیدنز در همان دل‌شوره‌های اصلی سرمایه‌داری معاصر پنهان شده است.

- توحش ایدئولوژی اقتصاد سیاسی نئولیبرال که با تمام قدرت ثبات جهان را به مخاطره افکنده است.
- خلاء ناشی از فروپاشی سوسیالیسم واقعاً موجود (کمونیسم بورژوازی).
- جهانی شدن‌های اجباری نئولیبرالی و تهاجم به حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ دولت‌های محلی و تحمیل مناسبات فرهنگی و اجتماعی فردگرایانه.

راه سوم از یک‌سو در تمامی ابعاد انقلاب کارگری را بایگانی می‌کند و ضمن نقد ساقط کردن قهرآمیز نظام سرمایه‌داری - با تأکید بر مضرات انقلاب - از نهادینه شدن حق رأی کارگران سخن می‌گوید و از سوی دیگر برای رسمیت بخشیدن به اتحادیه‌ها و سندیکا‌های کارگری لباس قانون می‌دوزد. اتحادیه‌هایی که در جریان سلطه تاجریسم و ریگانیسم نابود یا به شدت ضعیف و محافظه کار شده بودند. گیدنز ضمن پذیرش حق اعتصاب برای کارگران و تحدید قوانین ضد کارگری سرمایه‌داری (از جمله تقلیل دستمزدها و بی‌کارسازی‌ها) از موضع رفرمیسمی آشنا به منظور کسب حقوق اقتصادی و اجتماعی "بیش‌تر" برای طبقه کارگر به میدان می‌آید. موضع گیدنز به روند افزایش دستمزد کارگران تفاوت چندانی با نظریه کینز ندارد. گیدنز نیز مانند کینز مالکیت خصوصی کلان بر وسائل تولید را می‌پذیرد و با دخالت دادن دولت اقتصادی برای تنظیم و کنترل بازار و قطع همان "دستان نامرئی" در بالاترین ظرفیت رادیکالیسم خود، دولت را ملزم به تأمین حداقلی از امکانات رفاهی برای فرودستان می‌سازد.

عروج نئولیبرالیسم از درون همین سیستم اقتصادی سیاسی آغاز شد و ریشه‌های دولت رفاه را زد. در مکتب وین و شیکاگو گفته می‌شود که "رفاه شکل گرفته توسط دولت‌های سوسیال دموکرات باعث فربهی خرده بورژوازی و نفوذ تزلزل‌پذیری این طبقه به درون طبقه کارگر شده و به تمایلات فزون خواهانه کارگران دامن زده است."؟؟ در نتیجه

تناقض چنین استدلالی جمع‌گرایی برآمده از رفاه سوسیال دموکراسی نیز به مخاطره افتاده است. گویا ایجاد دولت بزرگ نیز از ضعف‌های سوسیال دموکراسی‌های حد فاصل پس از جنگ تا بحران دهه هفتاد بوده است. در کنار دولت بزرگ، زیان بازار، تحدید جامعه مدنی، تضعیف خلاقیت‌ها و نوآوری‌های فردی، از میان رفتن منابع دولتی به سبب خدمات حمایتی از اقشار تحتانی خرده بورژوازی و طبقه کارگر و نابودی احساس "شور انگیز رقابت"، و.... همه آن بهانه‌ها و اعتبارسازی هائی بود که به تاجر امکان داد تا در غیاب یک قطب قدرت‌مند سوسیالیستی، خشن‌ترین شکل سرمایه‌داری معاصر را با تکیه بر بنیادگرایی بازار آزاد حاکم کند. دو سال بعد (۱۹۸۱) پیروزی رونالد ریگان در امریکا، بحران سوسیال دموکراسی را به مرحله فروپاشی کشید. تمام تلاش گیدنز در راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی به شیوه بازگشت به دهه‌های "طلائی" رونق سرمایه‌داری بعد از جنگ جهانی دوم است. حتا اگر چنین تلاشی نیز به تحقق بپیوندد، از درون آن یک بار دیگر ننولیبرالیسمی لگام گسیخته‌تر بیرون خواهد زد. و این همان بحران سیکلیک سرمایه داری است که تا زمان حیات این شیوه تولید ضد انسانی ادامه خواهد داشت.....

بعد از تحریر

۱. من در یک برهه به سرقت تمام و کمال و بدون یک نقطه کم و زیاد یک کتاب و مقاله‌ام، اعتراض و شکایت کردم. اما اکنون بر این باورم که از این سیاه بر سفید نوشته‌ها هر سایت و تریبونی می‌تواند با یا بی‌نام نویسنده بهره بگیرد و نگفته نگذرم که شخصاً جز در چند مورد با هیچ سایتی مکاتبه نداشته و تبعاً مستقیماً مقاله نداده‌ام. تمام این تلاش‌های صمیمانه به عهده نازنینانی است که اگرچه از دیدارشان محروم بوده‌ام، اما به جان منت‌پذیر و حق‌گزار محبت شان هستم.

۲. در ایران مقالات زیادی از این قلم در مطبوعات چاپ شده است. بیش از پانزده کتاب نیز. تمام این مقالات و کتاب‌ها - تأکید می‌کنم تمام این مقالات - با ویرایش و ممیزی شوراها و تحریریه و سردبیران جرح و تعدیل و بعد منتشر شده‌اند. در جایی اگر از قتل‌های سیاسی دهه شصت به عنوان خشونت نظام سخن گفته‌ام آن را حذف و فی‌المثل به دو سه مورد کم خطر اکتفاء کرده‌اند. وقتی از خطر احتمال جذب جوانان آواره کشور در "میلیشیا‌های فروغ جاویدان" هشدار داده‌ام، سردبیر محترم آن را به "برانداز" تغییر داده است. و چه کسی است که نداند در ادبیات اجتماعی چپ همان قدر که انقلاب پدیده‌ای شناخته شده است در مقابل براندازی واژه‌ای نامفهوم است. چنین رویه‌ای در همه جای دنیای سانسور زده - حتا در امریکای "آزاد" - رسمی نهاده شده است. در یک فرصت مناسب خاطرات مستندی را از احمد شاملو در این خصوص نقل خواهم کرد. تبعاً در مواردی که زیر بار سانسور و دست کاری نرفته‌ام کتاب یا مقاله‌ام نیز در محاق مانده است.

قصد داشتم به مناسبت نمایشگاه کتاب تهران چند مورد از این گرفتاری‌ها را به صورت مستند و مکتوب در معرض قضاوت بگذارم اما به دلایلی از شر آن گذشتم. به قول ملای روم:

یک سینه سخن دارم هین شرح دهم یا نه؟

.....مهم اما این است:

در برابر کدامین حادثه

آیا

انسان را دیده‌ای

با عرق شرم بر جبینش!

- در مورد نحوه همکاری با مرکز گفت و گوی تمدن‌ها و علت برخورد با مهاجرانی (پس از نوشتن کتاب بی‌بنیاد "گزند باد" و اتهام به شاملو) در این مجمل به اجمال هم نمی‌توانم بگویم. همین قدر خواننده علاقه‌مند به تاریخ و گذشته افراد را به این مقاله‌ام در پاسخ به دو نقد مهاجرانی به این قلم و در دفاع از شاملوی سوسیالیست مندرج در روزنامه اطلاعات ارجاع می‌دهم.
- قراگوزلو. محمد (۱۳۸۱) نقدها را بود آیا که عیاری گیرند، روزنامه اطلاعات ش: ۲۲۶۱، ص ۶.
- بعد از این پلمیک هرگز به مرکز گفت و گو نرفتم و تمام طلب‌های مالی دانشجویان همکارم در پروژه "گفتمان گفت و گو" حیف و میل شد!

منابع

- گیدنز. آنتونی (۱۳۸۳) چکیده آثار آنتونی گیدنز، برگردان حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ققنوس.
 - (۱۳۸۶) راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی، برگردان منوچهر صبوری کاشانی، تهران: انتشارات شیرازه.
- پی نوشت:
- قراگوزلو. محمد (۱۳۸۷) فکر دموکراسی سیاسی، تهران: مؤسسه انتشاراتی نگاه

یادداشت:

* به خاطر اجتناب از اذیت و آزار همکاران، ما آدرس ایمیل نویسندگان خویش را نشر نمی‌نمائیم، اما در عوض حاضریم هر نظر پیشنهادی، انتقادی و یا تکمیلی خوانندگان را که به آدرس ما فرستاده شود، به همکاران خویش برسانیم.

اداره پورتال AA-AA